

نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه‌های اسلامی

تاریخ دریافت مقاله: اسفند ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: فروردین ۱۳۹۹

یوسف خیری^۱، جواد نعمتی^۲، اکبر ساجدی^۳

^۱ عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت و دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
^۲ عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
^۳ عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت و دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

نویسنده مسئول:

اکبر ساجدی

چکیده

نقش مادر در تربیت کودک به لحاظ ارتباط تکوینی و حدود تاثیرات او با دیگر عوامل تربیت قابل مقایسه نیست. آموزه‌های اسلامی نگاه دقیق و جامعی به مسائل تربیت مبذول داشته و در این راستا توصیه‌هایی را بیان نموده است. نویسندگان با روش تحقیق کتابخانه‌ای و جستجو در آیات قرآن و روایات اسلامی، نقش مادر در تربیت کودک را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. در این میان ضمن ارائه تعریف واضحی از مفاهیمی نظیر تربیت، تعلیم، استعداد و کودک، جهاتی را که باید در تربیت کودک مد نظر قرار داد مورد نقد و بررسی قرار گرفت، جهاتی نظیر توجه به روح و روان کودک، توجه به بعد جسمانی و تغذیه کودک، پرورش صفات مطلوب در کودک، جهت دادن به فکر کودک و ... در همین راستا تبیین گردید که باید خود مربی یعنی مادر قبل از تربیت کودک، حائز شرایطی نظیر آگاهی و اطلاع، خودسازی و خودارزیابی، داشتن جهان بینی وسیع، جنبه الگویی، صبر، حوصله و اقتدار بوده باشد. از نظر اسلام تربیت در سه مرحله پیش از تولد، حین تولد و پس از تولد و خود مرحله پس از تولد در سه دوره هفت سالگی اول، دوم و سوم با اقتضات گوناگونش انجام می‌پذیرد.

کلمات کلیدی: تربیت کودک، مادر، مراحل سه‌گانه تربیت، دوره‌های سه‌گانه تربیت.

۱. مقدمه

انسان موجودی است پر رمز و راز. قابلیت‌های فراوان و استعدادهای گوناگونش او را موجودی ممتاز از دیگر مخلوقات ساخته است. این امتیازات بعضاً ذاتی است و طبعاً فاقد ارزش اخلاقی است، اما آن چه که می‌توان از آن به عنوان ارزش و عظمت یاد کرد، امتیازات اکتسابی است. در این بین جایگاه تربیت انسان عموماً و تربیت کودک خصوصاً مشخص می‌شود.

از سویی تولید مثل ویژگی مهم موجودات زنده است. حیوانات، نباتات و عموم موجودات زنده با تولید مثل بقای خود را تضمین می‌کند. گرگ زاده عاقبت گرگ می‌شود، طبیعی است که بنی آدم هم آدم باشد. شاید این سخن از بس بدیهی باشد که نیازی به تذکر نداشته باشد، ولی منظور نویسنده از واژه تولید مثل معنایی ظریف است که در برداشت‌های عادی آن معنا منظور نمی‌گردد. بلکه انسان تولید مثل می‌کند، ولی باید دید فرزندی که محصول والدین است، واقعاً انسان است. آیا من پدر و مادر توانسته‌ام انسانی به جامعه تحویل دهم، یا انگل و وزر و وبال جامعه را افزوده‌ام! با دیدن افراد موفق، باهوش، باادب، منضبط، کاربلد، متدین، مومن و متقی قبل از تحسین آن افراد باید به والدین آن‌ها تبریک و تحسین نثار کرد که توانسته‌اند استعدادهای نهفته کودکشان را به موقع و به درستی شکوفا کنند.

آری نقش والدین در تربیت کودک عموماً و به ویژه مادر جای انکار و چون و چرا ندارد. در این میان آموزه‌های اسلامی در نقش مادر نسبت به تربیت کودک توصیه‌های جالبی ارائه نموده اند که نویسندگان این نوشتار با تحقیقی کتابخانه‌ای درصدد کشف و تبیین آن آموزه‌ها هستند. از این رو بعد از مفهوم‌شناسی مفاهیمی نظیر تربیت، تعلیم به نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه‌های اسلامی پرداخته‌ایم.

۲. مفهوم شناسی**۱.۲. تربیت**

تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب.

در این تعریف نکات مهم زیر قابل توجه است:

الف. تعریف فوق حاکی از این است که انسان استعدادهای نهفته‌ای دارد که تا تربیت صحیح نباشد، این استعدادهای شکوفا نمی‌شود.

امام صادق (ع) به این نکته اشاره کرده‌اند. آنجا که می‌فرمایند:

النَّاسُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۷۷).

مردمان مانند معدن‌های طلا و نقره هستند.

یعنی هر کس باید به اسرار درونی خود واقف باشد و بداند در درونش چه توانایی‌هایی دارد. و به قول حافظ:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد / آن چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد (حافظ، ۱۳۷۲، ص ۱۹۳).

ب. عبارت «فراهم کردن زمینه‌ها» حاکی از این است که مربی فقط زمینه شکوفایی استعدادهای فراهم می‌کند و این مربی است که باید فعالانه در جهت مطلوب حرکت کند. مربی مثل باغبان است، و هرگز در نهال و درخت قابلیت و شایستگی ایجاد نمی‌کند و پر واضح است که نهال خشکیده از حوزه کار وی خارج است.

ج. عبارت «در جهت مطلوب» نشان می‌دهد که توربت دارای کسب و هدف است، و یک عمل غیر ارادی و تصادفی نیست و همواره باید جهت مطلوب در آن مد نظر قرار بگیرد.

۲.۲. تعلیم

تعلیم به معنای یاد دادن است و با تربیت تقارب معنایی دارد و ممکن است بین تعلیم و تربیت خلط شود؛ لذا لازم است فرقی‌های این دو با هم مشخص:

الف. مفهوم تقویت وسیع‌تر از تعلیم است؛ چرا که تعلیم فقط در مورد موجودات ذی شعور صادق است؛ ولی تربیت عمومیت دارد.

ب. اهداف تربیت گسترده‌تر از تعلیم است؛ تعلیم فقط معلومات ذهنی را می‌افزاید، اما تربیت استعدادها را در تمامی زمینه‌ها شکوفا می‌سازد.

ج. تعلیم جنبه ذهنی و تربیت جنبه عملی دارد؛ مثلاً اگر به کسی کارهای خوب و بد یاد داده شود؛ در حقیقت علم اخلاق به او آموخته شده است، اما اگر شخصی با اعمال، رفتار، کردار و گفتار خود در دیگری اثر گذارد، در حقیقت او را تربیت کرده است (شکوهی، ۱۳۷۳، ص ۴-۶).

۲.۳. استعداد

در لغت‌نامه دهخدا واژه استعداد آمده شدن، آماده گشتن، آمادگی کردن، مهیا شدن، فریحه، مجاز، قابلیت، گنجایش، ظرفیت و ذوق معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۶۵). و در فرهنگ عمید به معنی مهیا گردیدن و توانایی کاری داشتن است (عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۱۸).

مفهوم استعداد، مفهومی گسترده است تا آن حد که تمام یا اکثر مباحث حوزه فیزیولوژی و روان‌شناسی را در بردارد. خصایص جسمانی نظیر سرعت واکنش، قد و وزن، چابکی در حرکات، قدرت عضلانی، حساسیت بصری، قدرت تشخیص صداها و تجلیات روانی مانند تجسم فضایی، حافظه، سرعت ادراک و استدلال را می‌توان در زمره و گستره استعداد به شمار آورد. به طور مثال اگر سه نفر را که اولی دارای هوش سرشار و دومی دارای حافظه قوی و سومی دارای انگشتان قلمی و کشیده شده باشد، در نظر بگیریم میزان هوش با پیشرفت تحصیلی در ریاضی بستگی دارد و میزان حافظه با پیشرفت در رشته زبان خارجه و داشتن انگشتانی قلمی و کشیده، مهارت در جراحی را آسان می‌کند. بنابراین هوش سرشار برای ریاضی، حافظه قوی برای رشته زبان خارجه و انگشتانی قلمی و کشیده برای جراحی، استعداد به شمار می‌آید (صافی، ۱۳۸۰، ص ۴۴).

۲.۴. کودک

کودک به بچه انسان تا قبل از بلوغ اطلاق می‌شود (انوری، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۵۹۸۹) و فرهنگ عمید کودک را بچه، پسر یا دختر خردسال معنا کرده است (عمید، ۱۳۶۲، ص ۸۴۹).

معمولاً از آغاز تولد تا حدود ۱۲ - ۱۳ سالگی را دوران کودکی می‌نامند و به دوره‌ی قبل از دبستان و بعد از دبستان تقسیم می‌نمایند و در یک تقسیم‌بندی دیگر کودکی را طبق نظر فقهای اسلامی طی دو دوره‌ی قبل از تمییز و بعد از تمییز مورد مطالعه قرار می‌دهند که تمییز به دوره‌ای گویند که فرد به طور اجمالی از مقتضای عقود و معاملات سر در می‌آورد و پس از این دوره در آستانه‌ی بلوغ قرار می‌گیرد. اما در اصطلاح پژوهش حاضر بر مبنای دیدگاه قرآن آغاز کودکی از زمان انعقاد نطفه است و پایان آن طبق فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم «الولد سید سبع سنین، و خادم سبع سنین و وزیر سبع سنین» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲) که شامل دو دوره هفت ساله سیادت و اطاعت است پایان چهارده سالگی است.

۳. شغل بانوان

درست است تأمین مخارج خانه بر عهده مرد می‌باشد و زنان در آن نقشی ندارند؛ ولی بیکاری هم چیز خوبی نیست و در اسلام از فراغت و بیکاری نهی شده است.

بهترین شغل بانوان، شوهرداری و بچه‌داری است، بانوان خوش سلیقه می‌توانند خانه را به صورت بهشتی برین و مهد پرورش کودکان خوب در آورند (امینی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰).

در زمینه تربیت، پدر و مادر هر دو مسئول هستند؛ ولی سنگینی این کار معمولاً بر دوش مادران مهربان است؛ لذا مادران باید به امر تربیت کودک خود توجه کافی داشته باشند (قائمی، ۱۳۶۸، ص ۳۶ - ۳۷).

۴. ضرورت تربیت

کودکان مانند مواد خامی هستند که در سایه تربیت و القاءات مربیان ساخته می‌شوند. کودکان مثل درخت نیستند که اگر کج شد، دور ببیند؛ بلکه باید با آنان ساخت و زندگی را سر کرد. جامعه فردا به دست طفل امروزی است. اگر امروز در تربیت و ساختن آنان کوتاهی کنیم، فردا گرفتار دوباره‌سازی خواهیم شد. کودک تمایلاتی دارد که اگر بدان توجه نشود، به انحراف کشیده می‌شود. ضروری است او را در جهت درستی به حرکت در آوریم، به او راه درست زندگی کردن بیاموزیم، که چگونه با خود و دیگران کنار آید و در موقع خطر، دفاع کند و چگونه در طریق خیر قدم بردارد (همان، ص ۱۷۷ - ۱۷۸).

۵. اهمیت تربیت

پدر و مادر خوب زمینه‌ساز سعادت کودک هستند و پدر و مادر بد زمینه‌ساز شقاوت اویند. قرآن کریم به ما دستور می‌دهد که تنها به فکر خود نباشید، بلکه به خانواده هم اهمیت بدهید و به تربیت آن‌ها همت گمارید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ* (تحریم، ۶). ای کسانی که ایمان آوردید هم خودتان را و هم خانواده‌تان را از آتش جهنم دور نگاه دارید، آتشی که مردمان و سنگان همزمان آند.

آیا حفظ از آتش جهنم به غیر از تربیت صحیح میسر می‌شود؟ چه بسا پدران اهل نمازی که فرزندان آنان اهل نماز نیستند! و چه بسا زنان چادر بسری که دخترانشان چادر را به گونی پیچیدن می‌انگارند!

حقیقت این است که وزر و وبال بسیاری از نابسامانی‌های جوانان به گردن والدین است؛ چون سخت گرفتن‌های بی‌مورد و بی‌تفاتی‌های تفریطی باعث چنین پیش آمدهایی شده است.

در یک آیه چنین بیان شده است:

إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (زمر، ۱۵).

خسارت و ضرر واقعی آن است که انسان و خانواده او جهنمی شوند و روز قیامت همگی به سوی آتش روانه گردند. به درستیکه خسران آشکار جز این نیست.

برخی، ضرر مالی را بزرگترین خسارت می‌دانند، در مقابل برخی ضرر جانی را بزرگترین خسارت می‌شمارند، اما خسارت واقعی آن است که کسی خودساخته نباشد و نتواند در خانواده خود تاثیر گذارد.

در روایتی آمده است:

أَنَّه نظر إلى بعض الاطفال فقال وويل لأطفال آخر الزمان من آبائهم. فقيل: يا رسول الله، من آبائهم المشركين؟ فقال: لا، من آبائهم المؤمنين، لا يعلمونهم شيئاً من الفرائض، وإذا تعلموا أولادهم منعوهم، ورضوا عنهم بعرض يسير من الدنيا، فانا منهم بريء و هم مني براء (حاجی نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۴).

روزی پیامبر (ص) با اصحابشان از جایی گذر می‌کردند، برخورد کردند با بچه‌هایی که مشغول بازی بودند، پیامبر نگاهی به بچه‌ها کردند و فرمودند: بدا به حال بچه‌های دوره آخرالزمان از دست پدر و مادرشان و من بی‌زاری می‌جویم از این مردم؛ چراکه پدر و مادرها در این زمان تنها به فکر دنیای فرزندان‌شان هستند اما به فکر آخرت آنان نیستند و آنقدر که برای تأمین آتیه فرزندان‌شان تلاش می‌کنند تربیت اصولی و اعتقادی آنان توجه آنچنانی ندارند.

واقعیت این است که این دوره و زمان همان گونه‌ای است که پیامبر بدان اشاره کرده‌اند؛ اگر نوجوان ما در بازی زخمی شود و از بینی او خون بیاید، پدر و مادر ناراحت می‌شود، مخصوصاً مادر خود را به این در و آن در می‌زند و در پی درمان او برمی‌آید، اما اگر همین نوجوان کار زشتی مرتکب شود، مثلاً با نگاه آلوده، قلب خود را زخمی کند،^۱ آب از آب تکان نمی‌خورد؛ لذا اگر زمانه حاضر را آخرالزمان بدانیم، بیراهه نرفته‌ایم.

^۱ در روایات از نگاه به نامحرم چنین تعبیر آورده‌اند: نظر به نامحرم، تیری است از تیرهای شیطان است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۱۳۸).

۶. موارد مهم در تربیت

پرسش مهم این است که در تربیت به چه مسائلی باید تکیه نمود؟ به عبارت دیگر در تربیت چه اموری در درجه اول اهمیت است؟ ذیلاً به مواردی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

الف. توجه به بدن (عقل سالم در بدن سالم)

تنها و تنها به بدن توجه کردن امری است ناپسند، اما اصلاً توجه نکردن هم خوب نیست. اسلام به خوردنی و نوشیدنی‌ها توجه خاصی دارد، چرا که توجه به این مسائل ضروری است. غذای سالم از یک سو به تندرستی می‌انجامد و از دیگر سو به اعمال صالح منجر می‌شود.

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا (مومنون، ۵۱).

ای گروه پیامبران از غذاهای پاک تناول کنید و کارهای نیکو انجام دهید.

مسئله نظافت و بهداشت، تمرین‌های بدنی برای کسب مهارت، در اسلام مورد توجه می‌باشد؛ لذا در تربیت باید به این امور توجه کرد.

با نگاهی گذرا به احکام و فرمان‌های تربیتی اهل بیت علیهم السلام این امر روشن می‌شود که هرچند تن‌پروری مذموم است، اما تقویت جسم به معنای نیرومند کردن و سالم نگه داشتن آن، بدون شک ممدوح و تقریباً از ضروریات اسلام است. از آن جمله، طالوت و نیرومندی جسمانی اوست که به عنوان یک مزیت و امتیاز در قرآن ذکر شده است. خداوند در سوره بقره آیه ۲۴۶ می‌فرماید: «قال ان الله اصطفيه عليكم و زاده بسطه في العلم و الجسم و الله يوتى ملكه من يشاء و الله واسع علميم؛ گفت: خداوند وی را بر شما برگزیده و گنجایش دانش و جسمش را افزوده است و خدا پادشاهیش را به هر کسی خواهد، می‌دهد و خدا با وسعت (بی نیاز) و داناست.»

دومین چهره‌ای که در قرآن از یک فرد ورزیده و متقی به تصویر کشیده می‌شود، حضرت داوود علیه السلام است که شخصی قوی‌هیكل، نیرومند و شجاع بود.

حضرت موسی علیه السلام نیز یکی دیگر از چهره‌های شاخص در زمینه ورزیدگی و توانمندی در قرآن کریم است که خداوند در قرآن، وقتی می‌خواهد مصداق آمیزش قدرت و امانت را به انسان‌ها نشان دهد، از او یاد می‌کند (نعمتی، مساوات و ساجدی، ۱۳۹۷، ۱۰۱ - ۱۰۲).

ب. ایجاد صفات مطلوب

در سازندگی می‌خواهیم صفات مطلوب را در فرد بیورانییم، اما صفات مطلوب کدامند؟ فرهنگ‌ها و عقاید متفاوت است، ما آن چه را شرع و عقل، مطلوب می‌دانند در او ایجاد می‌کنیم، مثل: ایثار، فداکاری، شوق به کسب فضایل، انسانیت و اخلاق، وفاداری، صداقت، حسن قضاوت، و ...

ج. جهت دادن به فکر

نباید فکر و اندیشه خود را به او تحمیل کنیم؛ بلکه باید فکر را جهت‌دار سازیم تا در مسائل ثابت، مواضع یکسان اتخاذ کند.

درست فکر کردن نیمی از درست کار کردن. افراد دمدمی مزاج، وسواسی و اهل شک بدین علت به این امراض روحی گرفتارند که نمی‌توانند درست فکر کنند.

د. وسعت نظر

باید او را از احاطه جنبه‌های غریزی و نگاه مادی بر حذر داشت و به او وسعت نظر بخشید، تا خودبین به بار نیاید و فقط مصلحت خود را در نظر نگیرد. جوری باشد که آرزوها و خواسته‌های دیگران هم برایش مهم باشد، روح انتقادپذیری در او قوی باشد، خود را برتر از دیگران نداند و گمان نکند که همگان، خادم و نوکر او هستند.

ه. تکامل عقلانی

عقل، پیامبر درونی است. در تربیت پرورش عقلی و کمال آن باید مد نظر باشد. عقل کودک را با پروراندن و دادن جواب‌های مناسب به سوالات او و با تحریک او به کنجکاوی و ... می‌توان بارور ساخت.

و. تعادل روانی

چه بسیاری از گروه‌های سرگردان که هرگز قرار و آرامی ندارند و آدمی را به ساحل و مقصدی نمی‌رسانند. در امر تربیت، ایجاد تعادل اهمیت فراوان دارد؛ زیرا رشد در سایه آن امکان‌پذیر است. در راه ایجاد تعادل روانی، مسئله بهداشت بدن و روان مورد توجه است. وجود تعادل روانی خود زمینه برای تعادل اخلاقی و بهره‌مندی از عقل است.

ز. آموزش مسئولیت

فرزندان نمی‌توانند در برابر مسائل بی‌تفاوت باشند؛ لذا باید به آن‌ها مسئولیت‌پذیری را آموخت. اصولاً انسان در جامعه ناگزیر از تعهد و مسئولیت است. باید بتواند در قبال خدمات دیگران، مفید باشد. فرزندان باید بدانند که اهمیت به کار، زندگی، مسئولیت و تعهد، آن‌ها را از حیوانات جدا می‌سازد.

ح. تقویت ایمان

بعدی از تربیت متوجه تقویت و رشد ایمانی فرد است، از آن بابت که همه اعمال و اتکای ما تحت تاثیر و نفوذ ایمان است. ایمان به آدمی نور می‌دهد فرا راه انسان را روشن می‌سازد، جلوی خطرهای گوناگون را می‌گیرد و موجب پدید آمدن شکیبایی می‌شود (قائمی، ۱۳۶۸، ص ۳۹ - ۴۳).

۷. ضرورت‌ها برای تربیت‌کنندگان

اگرچه در تربیت محور سخن روی تربیت‌شوندگان است و صفات و ویژگی‌های آنان مورد تاکید است، اما خود تربیت‌کنندگان نیز باید متصف به صفاتی باشند که امر تربیت از استحکام لازم برخوردار باشد.

الف. آگاهی و اطلاع

مربی باید از مبانی اعتقادی و مذهبی سر درآورد و به فلسفه حیات واقف باشد، همچنین باید از اسرار و ویژگی‌های کودک مورد تربیت آگاه باشد؛ بداند او کیست؟ چه زمینه‌های مثبت یا منفی دارد؟ زمینه هوشی او چیست؟

ب. خودسازی

والدین خواسته یا ناخواسته الگوی عملی فرزندان خویش هستند. آن کس که می‌خواهد در امر تربیت قدم بردارد خود باید تربیت یافته باشد. البته خودسازی پس از خودشناسی است؛ پس باید خود را به نیکی بشناسد، بعد به ساختن و تربیت خود و دیگران همت گمارد. برای کسی که در خود نقاط ضعفی می‌یابد، لازم است اول خود را اصلاح کند و بعد سراغ دیگران برود.

در همین راستا نیز خودارزیابی مطرح می‌شود. انسان لازم است خود را ارزیابی کرده، آن را در معرض نقد و بررسی قرار دهد. این ارزیابی باید در سه بُعد اعتقادات، رفتار و خلقیات صورت گرفته که تحقق آن برکات فراوانی را برای انسان فراهم می‌کند. مهمترین برکت خودسنجی‌های سه‌گانه، عبارت است از: دوری از خوش‌بینی‌های کاذب، تلاش برای زدودن کاستی‌ها و در نهایت تقویت و تشدید ارزش‌های اعتقادی، رفتاری و اخلاقی (ساجدی، نعمتی و خیری، ۱۳۹۸، ص ۲۵۱).

ج. داشتن جهان‌بینی وسیع

روایات ما می‌گویند:

لا تفسروا [لا تکرهوا] اولادکم علی آدابکم فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَیْرِ زَمَانِکُمْ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ۲۶۷).
فرزندان خود را بر آن اساس که خود تربیت شده‌اید، تربیت نکنید، چرا که آن‌ها آفریده‌هایی برای عصر و دنیایی دیگرند. چه اشکالی دارد که در امر تربیت از روش دیگران الهام بگیریم؟ وسعت نظر اقتضا دارد که ما آن‌ها را هم مد نظر قرار دهیم؛ چه بسا روش دیگران بهتر از رو شما بوده باشد.

د. جنبه الگویی

والدین الگوی عملی فرزندان می‌باشند. تمامی رفتارها، کردارها و گفتارهای کودک از دیگران به او منتقل می‌شود. علل بدی و خوبی رفتار کودک را باید در والدین و اطرافیان او جستجو کرد. مربیان کودک باید بکوشند که همه رفتارشان سازنده باشد؛ برخوردها، بازی‌ها، سخن‌ها، خنده‌ها، گریه‌ها و ...

هـ. صبر و حوصله

کودک زبان منطقی سرش نمی‌شود؛ لذا تربیت کودک به صبر و حوصله و دقت و تأمل نیاز دارد. باید مشکلات را به آرامی و به تدریج حل کرد؛ چرا که یک خطا شاید عواقب بدی داشته باشد.

و. اقتدار

در عین ملائمت، اقتدار هم لازم است، کودک باید با انضباطی که از طریق والدین درباره او اعمال می‌شود، پیش برود و عوارض اخلاقی او از این راه اصلاح گردد. نه مهر تنها و نه قهر خالی به درد می‌خورد. مهر و قهر با هم لازم هستند. معمولاً پدر موجد و عامل انضباط و مادر جذب کننده از طریق محبت است. البته اعمال قدرت باید از روی خیرخواهی باشد و اگر ذره‌ای انتقام‌جویی یا صفات زشت دیگر در آن نهفته باشد موثر نخواهد بود (قائمی، ۱۳۶۸، ص ۴۹ - ۴۶).

۸. مراحل تربیت**۸.۱. مرحله پیش از تولد**

اسلام برای داشتن نسلی پاک و سالم، پیش‌بینی‌ها و مراقبت‌هایی را قبل از ازدواج توصیه نموده است. اسلام به امر تربیت، قبل از تولد و از مرحله انتخاب همسر عنایت و توجه داشته است. تشکیل خانواده تنها به خاطر ارضای غریزه جنسی نیست که به هر گونه پیش آمد، انسان بدان تن دهد؛ بلکه مسئله تداوم نسل و شرایط حیات او در جامعه هم مورد نظر است. بدین جهت در اسلام راجع به انتخاب همسر توصیه‌های شده است که تفصیل آن در کتب فقهی و اخلاقی مطرح شده است.

خلاصه این که در انتخاب همسر کوشش شود که همسر فردی شریکوار، معتاد و فاسق نباشد. از نظر اخلاقی دارای اصالت و عفت باشد؛ زیرا فرشته‌خویی کودکان تا حد زیادی مربوط به این امور است، و نیز در جنبه روانی دارای کمبود نباشد.

به این ترتیب اسلام می‌خواهد جایگاه مناسبی برای پرورش طفل ایجاد کند، تا او هم از لحاظ جسمی و هم به لحاظ اخلاقی و روانی از پرورش صحیح برخوردار باشد (شکوهی، ۱۳۷۳، ص ۷۴ - ۷۵).

۸.۱.۱. قانون وراثت

صفات ظاهری پدر و مادر به فرزند منتقل می‌شود؛ سفیدی، سیاهی، زیبایی و ... همه در فرزند موثر هستند. همین طور صفات باطنی و درونی مثل سخاوت و حسادت و ... نیز به جنین منتقل می‌شود؛ از پدر مادر حسود بچه حسود، و از والدین با سخاوت، بچه سخی به دنیا می‌آید.

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَأَيِّخْرُجَ إِلَّا نَكْدًا. كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (اعراف، ۵۸).

سرزمین پاک (و آماده)، گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می‌آید. اما زمینی که خبیث (و شوره‌زار) است، جز محصولی اندک و بی‌فایده بیرون نمی‌دهد. ما این چنین آیات خویش را برای گروه شکرگزار، بیان می‌کنیم.

زمین آباد، زمینی که علف هرز ندارد، زمینی که شخم زده شده، حاصل خوب می‌دهد و خوب حاصل می‌دهد، اما زمین شوره‌زار، زمینی که علف هرز دارد، معمولاً یا حاصل نمی‌دهد، یا اگر بدهد بسیار کم است. شاید بتوان از این آیه به محل بحث استشهاد آورد به این بیان:

پدر مقدس و شجاع و مادر با تقوا و با عفت فرزندی نیکو و صالح به وجود می‌آورند، اما از پدر و مادر بی‌عفت و بی‌تقوا فرزندی بزهکار و شرور ایجاد می‌شود (مظاهری، تربیت فرزند از نظر اسلام، ص ۴۷ - ۴۹).

برای کلیه صفات، فرزند یک زن از پدر و یک زن از مادر می‌گیرد و ترکیب زن‌ها بی نهایت متفاوت است به همین دلیل هیچ دو انسانی وجود ندارند که از هر جهت مساوی باشند. زن‌ها خصایص نوعی و مسیر کلی رشد و نمو ما را تعیین می‌کنند و به طور غیر مستقیم در ساخت هوش ما، توانایی گویایی ما، رفتار اجتماعی ما، احساسات یا عاطفی بودن ما دخالت دارند. به بیان دیگر، زن‌های ما هستند که ما را فردی موروثی از والدین ما می‌کنند. توصیه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دعا و ذکر پیش از انعقاد نطفه، بیانگر تاثیر دعا و حالات معنوی و روحی پدر و مادر در انعقاد نطفه است. بنابر این برای تربیت فرزندی با استعدادهای متعالی نه تنها به هنگام انعقاد نطفه بلکه در انتخاب همسری شایسته نیز باید بسیار دقت نمود چرا که علاوه بر خصوصیات جسمانی والدین روحیات آنها نیز از طریق وراثت به فرزندان منتقل می‌گردد (نعمتی، مساوات و ساجدی، ۱۳۹۷، ۱۰۲ - ۱۰۳).

البته این سخن کلیت ندارد، تاریخ در صفحات خود نام کسانی را ثبت کرده که در عین اینکه از خانواده بدی بوده‌اند، به کمالات الهی و انسانی نائل آمده‌اند.

اصولاً همانطور که قبلاً گفتیم، پدر و مادر فقط زمینه‌ساز سعادت و شقاوت فرزندان می‌باشند و به هیچ وجه به عنوان علت تامه در سعادت و شقاوت نیستند.

۲.۱.۸. مراقبت در حین مباشرت

این مراقبت‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند و در کتب فقهی درباره کیفیت زناشویی، مکان و زمان آن به تفصیل بحث شده است.

از نظر اسلام مباشرت در حال حیض و احرام ممنوع است و از مباشرت در حین بیماری و اضطراب نهی شده است و به طرفین توصیه شده که هنگام مباشرت از پروراندن افکار ناصواب خودداری کنند و نام خدا را بر زبان جاری سازند، تا خداوند به نظر لطف و رحمت به ایشان بنگردد و اولاد صالح عطا نماید.

تحقیقات علمی در قرون اخیر نشان می‌دهد که تمامی حالات جسمانی و روانی زن و مرد در حین مباشرت بر روی فرزندان آن‌ها به گونه‌ای موثر است. در برخی موارد آمارهای قابل توجهی نیز در این زمینه ارائه شده است (شکوهی، ۱۳۷۳، ص ۷۵).

۳.۱.۸. انعقاد نطفه

حساس‌ترین مرحله تکوین طفل همین مرحله است. در این زمینه نکات زیادی را می‌توان مطرح کرد، اما سه موضوع از مهمترین نکاتی است که باید به آن توجه کرد:

الف. توجه به خدا و پناه بردن به او از شریک شدن شیطان.

ب. خوردن غذای حلال و اجتناب از غذای حرام.

ج. اجتناب از هر گونه گناه و اندیشه ناصواب (مظاهری، ۱۳۷۷، ص ۶۴).

همان‌طور که گفتیم در کتب فقهی دستوراتی در این زمینه وارد شده است. به همین مناسبت ما از کتاب شریف «شرح لمعه» تألیف شهید ثانی مطالبی سودمند نقل می‌کنیم:

هنگامی که مرد و زن خواستند دارای فرزند شوند، امور زیر را رعایت کنند:

الف. بهتر است مباشرت شب هنگام و نزدیک صبح صورت گیرد.

ب. قبل از هر کاری وضو گرفته و دو رکعت نماز گزارده شود.

ج. مرد بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي أَلْفَهَا وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا، وَارْضِنِي بِهَا، وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَانْسِ وَاتَّبِلَافٍ، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتُكْرَهُ الْحَرَامَ». یعنی: بار خدایا الفت و محبت و رضایت همسر را به من ارزانی ده و مرا با او راضی گردان و بین ما به بهترین صورت مباشرت برقرار کن و بهترین عشق و دوستی را بین ما ایجاد کن؛ چراکه تو حلال را دوست می‌داری و حرام را زشت و پست می‌دانی.

زن نیز با تغییر دادن ضمائر مونث به مذکر همین دعا را بخواند.

د. بعد از دعا مرد دست راست خود را بر پیشانی زن گذارد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ عَلَي كِتَابِكَ تَزَوَّجْتَهَا وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتَهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَلا تَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطَانٍ». یعنی: بار خدایا من همسر را بنا به دستورات کتاب تو و در امانت تو و همسری برگزیده‌ام و با کلمات تو مباشرت با او را روا داشته‌ام، پس اگر مصلحت بر این است که من صاحب فرزند شوم، هر آینه او را مسلمان و سوی الخلقه بگردان و هرگز برای شیطان نصیبی قرار مده.

هـ. هنگام دخول حتماً جمله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را ذکر کنند بعد از دخول نیز همواره نام خدای را بر زبان آورند تا مبادا شیطان بهره‌ای ببرد (شهید ثانی، الروضه البهیة، ج ۵، ص ۹۲ - ۹۳).

۴.۱.۸. دوران جنینی

با انتقال نطفه، تاثیر مستقیم پدر در جنبه وراثتی پایان می‌پذیرد، ولی مادر تا نه ماه دیگر و اگر پس از تولد خود به او شیر دهد، تا دو سال و نیم دیگر با کودک رابطه خونی دارد. بر اساس تجارب علمی مسلم غذاها و داروهایی که مادر می‌خورد، هیجانان، اضطراب‌ها، ترس‌ها، نگرانی‌ها، خشم‌ها، کینه‌ها، افکار و اندیشه‌های درونی، حالات روحی و اخلاقی وی همه و همه بر جنین اثر مثبت یا منفی مهمی به جای می‌گذارند (شکوهی، ۱۳۷۳، ص ۷۵ - ۷۶).

۸.۱.۵. هنگام زایمان

جنین معمولاً در حدود نه ماه و ده روز در رحم مادر زندگی می‌کند. زن آبستن اگر به وظایف اسلامی خویش عمل کند و مراقبت‌هایی را که اسلام در دوران حمل توصیه نموده است به کار بندد، کودکی سالم به جامعه تحویل خواهد داد و در حقیقت خدمت ارزنده‌ای نسبت به خود و جامعه روا داشته است و نزد خداوند متعال بی‌اجر و پاداش نخواهد ماند. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در فضیلت جهاد صحبت می‌کرد، یکی از زنان پرسید: یا رسول الله! آیا زن‌ها از فضیلت جهاد محروم هستند؟

حضرت فرمود: نه، زن نیز می‌تواند از فضیلت جهاد برخوردار باشد. از آن هنگام که زن آبستن می‌شود، سپس وضع حمل می‌کند، آن‌گاه شیر می‌دهد تا وقتی که طفل از شیر باز گرفته می‌شود، در تمام این مدت زن همانند مردی است که در میدان جنگ، جهاد می‌کند، اگر در این مدت بمیرد، به منزله یک شهید خواهد بود (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۴).

۸.۲. مرحله بعد از تولد**۸.۱. تقسیم بندی سنین**

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میان تولد تا بیست و یک سالگی را که مهمترین مرحله رشد و نمو انسان است به سه مرحله تقسیم نموده است:

الْوَلَدُ سَبْعٌ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعٌ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعٌ سِنِينَ (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲).

فرزند در هفت سال اول شاه است، در هفت سال دوم بنده است و در هفت سال سوم وزیر. یعنی فرزند در هفت سال اول به مانند شاه است، آزادی زیادی دارد و تا حد امکان جلوی او را نباید گرفت. در هفت سال دوم به عنوان یار و یاور می‌باشد. باید برخی از کارهای خانه را به او واگذار کرد. و در هفت سال سوم باید از فکر و اندیشه او بهره جست، تا خود را در بین خانواده صاحب رای و نظر بداند و با این کار استعدادهای درونی‌اش شکوفا گردد. ولی متأسفانه در برخی خانواده‌ها این امر رعایت نمی‌شود. برخی جوان هیجده ساله را هم بچه می‌دانند و برخی، طفل خردسال را مکلف به تکالیف سختی می‌کنند و آزادی را از او سلب می‌نمایند.

روان‌شناسان بر این باورند که در سنین ۱۴-۷ سالگی که آن را دوره نوباوگی می‌نامند کودک از رشد ذهنی و عقلی سریعی برخوردار می‌شود و از طریق اندیشیدن، آزمایش و خطا می‌تواند مشکلاتش را حل کند. بنا براین لازم است در این هفت سال مقدمات آموزش و یادگیری کودکان فراهم گردد و قوانین، مقررات و مهارت‌ها به او آموزش داده شود. از دیدگاه پیامبر اسلام نیز هفت سال دوم زندگی دوره اطاعت است. در این مرحله کودک باید مطیع پدر و مادر باشد و توصیه‌های ایشان را تمام و کمال به کار بندد. آموزه‌های تربیتی پیامبر در این دوره بیشتر بر محور علم، احکام، حرف، فنون و مهارت‌ها به کودکان و وادار کردن آن‌ها به اطاعت از والدین و مربیان دور می‌زند. این مسئله نشانگر وقوف ایشان به رشد عقلی و هوشی کودک در این دوره است (کریمی فهی، ۱۳۸۴، ۱۲).

۸.۲. مراسم اسلامی برای نوزاد

در دین مقدس اسلام هیچ امری خالی از حکم نیست. اسلام برای تمام شئون زندگی برنامه خاصی ارائه کرده است. در مورد نوزاد هم امر به همین منوال است. کارهای زیر از سفارش‌های دین مقدس اسلام می‌باشد:

الف. ذکر اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ؛

ب. مراسم تحنیک: کام نوزاد را با تربت امام حسین علیه السلام آب زمزم گرفتن؛

ج. تراشیدن موی سر و صدقه دادن هم وزن آن؛

هـ. نامگذاری و انتخاب نام نیک؛

و. ختنه؛

ز. ولیمه (مهمانی دادن به شکرانه نعمت خدادادی) و عقیقه (ذبح قربانی)؛

ح. دیگر سنن اسلامی مثل غسل مولودیه و ...

۸.۲.۳. رضاع و شیرخوارگی

آزمایش‌ها نشان می‌دهد که شیر مادر برای کودک بهترین و غنی‌ترین و سالم‌ترین غذاهاست. در نشریه سازمان جهانی بهداشت آمده است:

مرگ و میر در میان کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند، شش بار کمتر از نوزادانی است که با وسایل مصنوعی تغذیه می‌شوند؛ چه شیر مادر، شیر طبیعی منحصر به فردی بوده و تهیه آن با وسایل مصنوعی امکان‌پذیر نیست (شکوهی، ۱۳۷۳، ص ۷۷ - ۸۰).

۸.۲.۴. اصول تربیت در سه سال اول

۱. تکیه بر تربیت فردی، ۲. توجه به تغذیه صحیح به ویژه شیر، ۳. اشباع از محبت، صفا و صمیمیت، ۴. ستایش راه و روش درست او، ۵. مراقبت از خطرات گوناگون، ۶. ایجاد زمینه برای آرامش او، ۷. تنظیم اعمال و عادت دادن به نظافت، ۸. ایجاد سرگرمی و اشتغال برای او، ۹. منع از تنبیه بدنی، ۱۰. منع از نوازش‌های افراطی.

۸.۲.۵. اصول تربیت در چهار سال دوم زندگی

۱. توجه دادن به واقعیت‌ها و پدیده‌هایها، ۲. تحریک کنجکاوی کودک، ۳. پرورش اعضای کودک و قدرت مشاهده او، ۴. جهت دادن او به بازی‌های اجتماعی، ۵. افزایش مهارت از طریق کارهای دستی، ۶. تکیه به آموزش‌های مهم از راه بازی و داستان، ۷. تشویق به کارهای هنری، ۸. ایجاد جرأت در او از راه تشویق و تحسین، ۹. رعایت اصل اعتدال در زندگی، ۱۰. منع و خودداری از تبعیض‌ها، ۱۱. نجات او از تخیل و اشباح، ۱۲. ایجاد روحیه نظم در کودک (قائمی، ۱۳۶۸، ص ۸۸ - ۹۰).

۸.۲.۶. بازی کودک

بازی در کودکان امری طبیعی است و به هیچ وجه کار بی‌فایده شمرده نمی‌شود. کودک عاشق بازی است و شاید شدیدترین محرومیت برای او محرومیت از بازی باشد. همه جا برای او صحنه بازی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِعْرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۷۶).

شیطن و لجاج و ستیزه‌جویی کودک در دوران خردسالی، نماینگر فزونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.

همچنین فرمود:

يَسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِعْرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ. ثم قال: لا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ هَذَا (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۳، ۱۳۸۴).

چه خوب است که فرزند انسان در خردسالی بازیگوش و پرتلاطم باشد، تا از این حالت، فردی حکیم و شکیبا و خویشتن‌دار به وجود آید. سپس فرمود: سزاوار نیست که طفل خردسال چنین نباشد.

۹. مادر نمونه

در بحث‌های تربیتی ارائه‌الگو و نمونه لازم است. به قول فردوسی:

فریدون فرخ‌فرشته نبود / به مشک و به عنبر سرشته نبود

به داد و دهش یافت نیکویی / تو داد و دهش کن فریدون تویی (فردوسی، ۱۹۶۳، ج ۱، ص ۲۵۲).

می‌توان با الهام گرفتن از الگو، قدم‌های خوبی در این زمینه برداشت.

مادر نمونه کسی است که بتواند در کمترین زمان و با کمترین امکانات، فرزندان را ارجمند تحویل جامعه بشری دهد و جهان را به وجود ایشان نورانی و سرفراز نماید. بی‌شک نام جاودانی او بر تارک عالم خواهد درخشید.

او کسی نیست جز بهترین زنان و بهترین مادران، یعنی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.

ظاهر زندگی او بسیار ساده، وسایل خانه او بسیار ابتدایی، اما باطن و واقعیت حیات حضرت اسرارآمیز و کشف‌ناشدنی است، در حدی که اگر علی علیه السلام نبود همتایی به او یافت نمی‌شد.

به هر حال با وجود اینکه جزئیات و چگونگی تربیت حضرت آن گونه که معلوم باشد در دسترس نیست، ولی با قطره‌ای

از دریای بی‌کرانش هم می‌توان تشنگان را سیراب کرد.

حضرت زهرا سلام الله علیها و نوازش فرزندان

روان هر انسانی تشنه محبت است، مخصوصاً در دوران کودکی که عاطفه و محبت مادر را با تمام وجود درک می‌کند. زمانی که مادر برای سرگرم کردن کودک، او را نوازش می‌دهد و برای خواباندن و ساکت کردن وی لالایی می‌خواند، لحظه‌ای است وصف ناشدنی و پرشور!

حضرت زهرا سلام الله علیها که مادری نمونه بود هر وقت می‌خواست با فرزندش امام حسن علیه السلام بازی کند، او را روی دستان مبارکش می‌چرخاند و بالا و پایین می‌کرد و این اشعار را می‌خواند:

اشبه أباک یا حَسَنُ / وَ أَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنَ
وَ أَعْبُدُ إِلَهًا ذَامِنِينَ / وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِخْنِ

ای حسن جان مانند پدرت باش، ریسمان را از گردن حق بردار، خدای احسان کننده را پرستش کن، و با افراد کینه توز دشمنی مکن.

و وقتی با حضرت امام حسین علیه السلام بازی می‌کرد چنین می‌سرود:

انت شبیه بایی / لست شبیها بعلی

تو شبیه پدرم هستی و به علی شبیه نیستی.

حضرت علی علیه السلام هم با شنیدن این اشعار خنده بر لبانش می‌شکفت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۶).

این تعبیر به عنوان الگویی از عظمت زندگانی معصومان (ع) ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که این بزرگواران فقط در یک جنبه به پرورش کودکان عنایت نداشتند، بلکه تمام جهات لازم برای تربیت را مد نظر قرار می‌دادند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگر چه پدر و مادر هر کدام به نوبه خود تأثیر خاصی در تربیت صحیح فرزند دارند اما در این میان نقش مادر پررنگ‌تر است، چرا که بیش از پدر مرتبط با فرزند بوده و آن چه که باید بیش از پیش مد نظر قرار گیرد اخلاق و رفتار مادر است، چرا که کودک در رفتار او را شاهد و نمونه قرار داده و مفاهیم مذهبی و اخلاقی را از او می‌گیرد. البته توجه به مسائلی از قبیل دوران بارداری و شیردهی مادر و همچنین تغذیه حلال و مناسب مادر و فرزندش مهم بوده و باید مادران بدانند که آغاز تربیت فرزند بسیار پیشتر از ازدواج و دوران بارداری است. بنابراین میزان تأثیر مادر در تربیت صحیح دینی و معنوی فرزند و راهکارهای تربیت معنوی باید مد نظر قرار گیرد. مادر نخستین کسی است که بذر تربیت را در جان و روان کودک می‌پاشد و نهال آن را آبیاری می‌کند، طرز فکر و رفتار او در سازندگی کودکان مؤثر است و اوست که می‌تواند کودکان را بر اساس مبادی آداب اسلامی بیوراند و تربیت کند. با مراجعه به متون دینی معلوم گردید که اسلام به ابعاد گوناگونی از جهات تربیت نظر داشته و جهاتی نظیر روح و روان کودک، بعد جسمانی و تغذیه کودک، پرورش صفات مطلوب در کودک، جهت دادن به فکر کودک و ... مورد توجه و تاکید قرار داده است. البته خود مربی یعنی مادر قبل از تربیت کودک، باید حائز شرایطی نظیر آگاهی و اطلاع، خودسازی و خودارزیابی، داشتن جهان بینی وسیع، جنبه الگویی، صبر، حوصله و اقتدار بوده باشد. از نظر اسلام تربیت در سه مرحله پیش از تولد، حین تولد و پس از تولد و خود مرحله پس از تولد در سه دوره هفت سالگی اول، دوم و سوم با اقتضات گوناگونش انجام می‌پذیرد.

منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
۳. امینی، ابراهیم، آیین همسرداری، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۴. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن، ۱۳۸۶.
۵. حاجی نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت، ۱۴۰۸.
۶. حافظ، مولانا شمس الدین محمد، دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفیعلی‌شاه، ۱۳۷۲.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه نشر و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۸. ساجدی، اکبر، نعمتی، جواد و خیری، یوسف، «موانع آزاداندیشی از منظر شهید مطهری»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۸.
۹. شکوهی، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات آموزش و پرورش، ۱۳۷۳.
۱۰. شهید ثانی، زین الدین، الروضه البهیة، تصحیح: کلانتر، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰.
۱۱. صافی، احمد، «نقش والدین در فراهم کردن زمینه پرورش استعداد های کودکان و نوجوان» مجله پیوند، شماره ۲۶۱، تابستان ۱۳۸۰.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲.
۱۳. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، ایران گرافیک، ۱۳۶۲.
۱۴. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تحت نظر: ی. ا. برتلس، مسکو، آکادمی اتحاد جماهیر شوروی، ۱۹۶۳.
۱۵. فیض کاشانی، محسن، الوافی، اصفهان، انتشارات امیر المومنین، ۱۴۰۶.
۱۶. قائمی، علی، تربیت و سازندگی، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۸.
۱۷. کریمی قهی، منصوره، «آموزه های تربیتی پیامبر اسلام»، مجله پیوند، شماره ۳۱۷، اسفند ۱۳۸۴.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۰. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، قم، انتشارات روحانی، ۱۳۷۷.
۲۱. نعمتی، جواد، مساوات، سولماز و ساجدی، اکبر، «عوامل موثر بر رشد استعداد های جسمانی کودک از منظر آیات و روایات»، فصلنامه پژوهش های تربیت بدنی و علوم ورزشی، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.